

**الماس ثقلب و
مسئولیت مدیران و حسابرسان درقبال پیشگیری از ثقلب**

دکتر علی اکبر عرب مازار

استاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمود صمدی لرگانی

استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

محسن ایمنی*

دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه آزاد رشت

Mohsen.imeni86@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۱۷ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۱۴

چکیده

ثقلب و رسوایی‌های مالی در سال‌های اخیر و این منجر به سقوط شرکت‌های بزرگ و کاهش یافتن اعتماد مردم به بنگاه‌های اقتصادی و حرفه (مخصوصاً حسابرسی) گردید. لذا حرفه و قانون‌گذاران به مقابله با این نقایص با وضع قوانین و مقررات، برخواستند. پس از بررسی‌های انجام شده توسط انجمن‌های حرفه‌ای مانند انجمن حسابداران خبره امریکا (AICPA) و انجمن حسابداری امریکا (AAA) به این نتیجه رسیدند، ثقلب امری است که همیشه می‌تواند وجود داشته باشد و هنگامی بروز آن کاهش می‌یابد که همه ارکان سازمان، علی‌الخصوص مدیریت در جهت مبارزه با این امر ضداخلاقی حرکت نمایند.

مدیریت با تعیین اهداف، سیاست‌ها و در پیش گرفتن رویه‌های مناسب و انتصاب افراد لایق و صالح و ... توان این‌را دارد که موثرترین و مهم‌ترین رکن در تشخیص، پیشگیری و کشف ثقلب باشد. حسابرسان، نیز دارای نقش کنترلی می‌باشند و می‌توانند جهت کمک به مدیریت در برنامه‌ریزی برای پیشگیری از ثقلب نقش بسزائی داشته باشند. درعین حال مدیریت عامل کلیدی جلوگیری از ثقلب تلقی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: الماس ثقلب، مثلث ثقلب، حسابرسان، مدیریت، قوانین پیشگیرانه.

مقدمه

با توجه به رشد اقتصادی در جوامع بشری، میل انسان‌ها به دریافت سود بیشتر، افزایش یافته و این میل موجب شده بعضی از مواقع اعمالی از انسان سربرزند که مخالف با عرف یا اخلاق باشد؛ مانند حساب‌سازی یا حساب‌آرایی؛ که جامعه آن‌را با واژه "ثقلب و فساد" می‌شناسد. این قضایا باعث شدند نگاه جامعه به بنگاه‌های

اقتصادی توام با ترس باشد و به این بیانیدشند، همه یا بیشتر بنگاه‌ها دچار فساد مالی و تقلب هستند. البته رسوایی‌هایی مالی پیش آمده در دنیای واقعی (مخصوصاً در بازه زمانی ۲۰۰۲ لغایت ۲۰۰۴) نیز مزید بر علت بوده و موجب شده تا این شک به یقین تبدیل شود، تا همه حرفه حسابرسی را مقصر بدانند و آن را مورد هدف قرار دهند [۷]. از دیدگاه مردم، حساب‌رسان مسئول کشف تقلب و فساد مالی می‌باشند که ادعایی بی‌اساس می‌باشد؛ زیرا تمام عوامل موجود در واحد تجاری می‌بایست در یک جهت حرکت نمایند و آن جهت، مبارزه با تقلب و اعمال تصمیمات ضد تقلب است. در پاسخ به این شک، اکثر شرکت‌ها و سازمان‌ها برای جلوگیری و ممانعت از تقلب، فعالیت‌های پیشگیرانه‌ای را اتخاذ نمودند [۲۰] تا از این طریق بتوانند اعتماد جامعه را جلب نمایند؛ اما همچنان، مشکل تقلب بعنوان طاعون سازمان‌ها در سراسر جهان مطرح است. انجمن بازرسان خبره تقلب^۱ در سال ۲۰۰۶ تخمین می‌زنند در ایالات متحده، تلفات مالی ناشی از تقلب بیش از ۶۵۰ میلیارد دلار ایجاد می‌کند و هزینه‌های تقلب سازمان‌ها معادل پنج درصد از درآمد سالانه آن‌ها را تشکیل می‌دهد [۱۰].

برای رفع این نگاه جامعه به واحدهای تجاری؛ قانون‌گذاران و جوامع حرفه‌ای قوانین وضع نمودند و در این بین تدابیری نیز، در نظر گرفته‌اند. تصویب قانون ساربنز آکسلی^۲ در باب حاکمیت شرکتی، به بیانی توجه به کمیته حسابرسی، کنترل‌های داخلی و حسابرسی صورت‌های مالی از جمله تدابیری بوده‌اند که توان ممانعت و پیشگیری در برابر تقلب را دارا و تقویت می‌نمایند.

در ادامه بحث ابتدا به موضوعاتی همچون؛ تعریف تقلب و ارکان آن، تاثیر تقلب بر جامعه، راهکارهای جلوگیری و پیشگیری از تقلب، نقش حسابرسی صورت‌های مالی و مسئولیت حسابرس و مدیریت در قبال کشف و پیشگیری تقلب، پرداخته می‌شود.

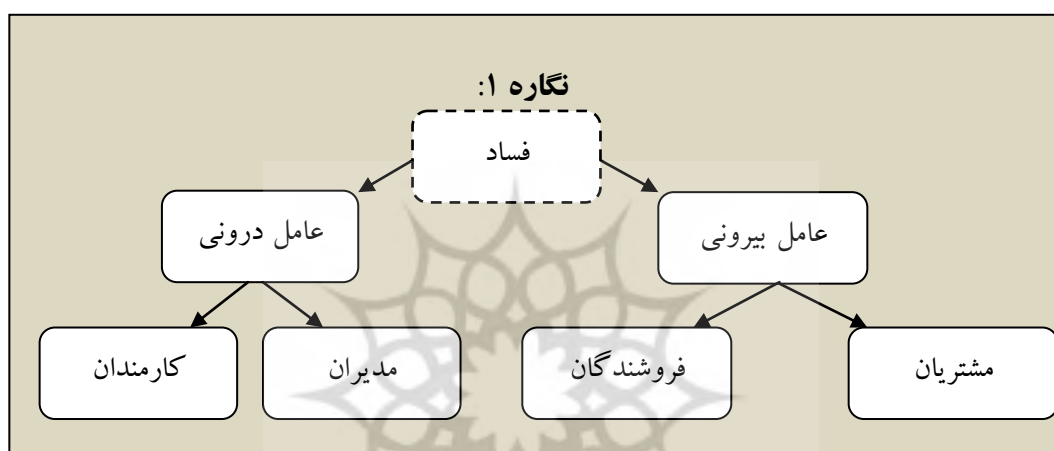
تقلب چیست؟

اکثر مردم از تقلب به عنوان یک عمل بد، یاد می‌کنند. تقلب نوعی کلاهبرداری و فریبکاری است که باعث ایجاد برتری ناعادلانه متقلب بر دیگران می‌شود یعنی یک طرف قرارداد از طرف دیگر اطلاعات بیشتری درباره موضوع معامله دارد [۲۲]. برینک و ویت (۱۹۸۲)، معتقدند تقلب تهدیدی است که هدف آن سوءاستفاده از منابع بوده و نیز نگرانی اصلی مدیریت است. بررسی متون نشان می‌دهد که برای تقلب تعاریف گسترده‌ی صورت پذیرفته است [۱۳].

تقلب، بر اساس آدینیجی^۳ (۲۰۰۴) و انجمن حسابداران خبره نیجریه^۴ (۲۰۰۶) "عمل عمدی یک یا چند نفر مثل مدیریت، کارکنان یا اشخاص ثالث که منجر به ارائه اطلاعات نادرست از صورت‌های مالی شود"، بیان شده است. KPMG (۲۰۰۵) و ادربیجی و دادا^۵ (۲۰۰۷) تقلب را چنین تعریف می‌کنند: "فریب عمدی به قصد محروم کردن شخص دیگری از اموال و حقوق‌اش و نیز برنامه‌ریزی و اجرای آن (به طور مستقیم یا غیرمستقیم)". آلبرشت و همکاران ۱۹۹۵ و هوارد، ۲۰۰۵ تقلب را به "اختلاس کارمند، تقلب مدیریت، کلاهبرداری، تقلب فروشنده، تقلب مشتری و تقلب متفرقه" طبقه‌بندی می‌کند. البته تقلب همچنین شامل معاملات مالی پیچیده انجام شده توسط متخلفان، متخصصان کسب و کار با دانش تخصصی و با قصد مجرمانه است [۱۴]. لذا تقلب نقض

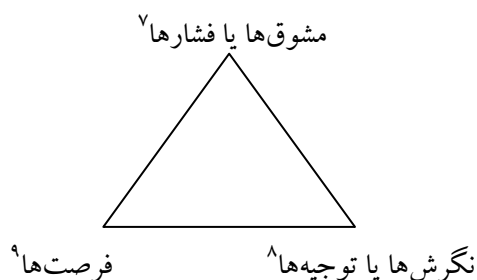
قانون را با خود به همراه دارد. هرچند قانون از این واژه کمتر استفاده می‌کند و بیشتر عنوان کلاهبرداری و فساد را یاد می‌کند. در قانون تعریف خاصی از جرم کلاهبرداری نیز صورت نگرفت و تنها به ذکر مصادیقی از آن بسنده کرده است. عموماً تعریفی که از این جرم توسط علمای حقوق شده است عبارتند از: "توسل توأم با سوء نیت به وسایل یا عملیات متقلبانه برای بردن مال دیگری" کلاهبرداری می‌باشد [۲۸]. همه جرائم در نتیجه سه عامل اتفاق می‌افتد: ۱) وجود کلاهبرداران و افراد با انگیزه، ۲) وجود یک هدف یا قربانی مستعد، ۳) عدم وجود یک سرپرست و مدیر توانا [۱۸]. تقلب، کلاهبرداری و فساد مالی نیز از این موضوع مستثنی نمی‌باشد.

در کل فساد و تقلب از دو منشاء درونی و بیرونی سرچشمه می‌گیرد. منشاء درونی نیز به دو بخش تقسیم می‌شود: الف) مدیران ب) کارمندان. منشاء بیرونی افرادی از خارج سازمان می‌باشند که با سازمان سروکار دارند همانند فروشندگان، مشتریان و پیمانکاران [۳].



تا اینجا برای تقلب تعاریف متعددی بیان شده و می‌توان گفت اجماع نظری درباره تعریف آن وجود ندارد. جوامع حرفه‌ای حسابداری نیز در این مورد از خود کوتاهی نشان نداده‌اند و تعاریف و ویژگی‌های برای تقلب برشمرند. استاندارد حسابداری استرالیا در سال ۲۰۰۴ (AUS، ۲۱۰) تقلب را "عمل عمدی یک یا چند نفر از جمله مدیریت، کسانی که با حکومت متهم، کارکنان، و یا اشخاص ثالث، شامل استفاده از فریب برای به دست آوردن مزیت غیر عادلانه و یا غیر قانونی است" تعریف می‌کند [۱۷]. انجمن حسابداران رسمی آمریکا در بیانیه (استاندارد) حسابداری شماره ۹۹ (در اکتبر ۲۰۰۲)، سه ویژگی برای تقلب در نظر گرفته و اعتقاد دارد این سه عامل موجب بروز تقلب هستند که به "مثلث تقلب" معروف‌اند [۱۲] که عبارتند از:

- ۱ - مشوق‌ها یا فشارها: مرتکبان برای ارتکاب تقلب، مشوق یا فشارهایی دارند. ۲- فرصت‌ها: معمولاً برای ارتکاب تقلب خواسته یا ناخواسته فرصت‌های ایجاد می‌شود. ۳- نگرش‌ها یا توجیه‌ها: مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی در محیطی که در آن فعالیت می‌کنند به آن‌ها فشار می‌آورد یا آن‌ها را مجبور می‌کند ارتکاب تقلب را توجیه کنند. نهایتاً بیانیه (استاندارد) حسابداری شماره ۹۹ تقلب را به عنوان "ارائه‌ی نادرست یا حذف عمدی مقادیر یا افشاهای، صورت‌های مالی" بیان می‌کند.



در سال ۲۰۰۴ ولف و هرمانسون^{۱۰} معتقدند که به مثلث تقلب می‌بایست ویژگی دیگری افزوده شود. آن‌ها پس از افزودن "خصیصه قابلیت یا توانایی"^{۱۱} آن را "الماس تقلب"^{۱۲} نامیدند [۲۱]. آن‌ها معتقدند بیشتر تقلب‌ها زمانی رخ می‌دهند که شخص بدون اینکه مُحِق باشد خود را قادر و قابل به اجرای تقلب (با جزئیات لازم) می‌داند.



همچنین ولف و هرمانسون چهار ویژگی را برای ارتکاب تقلب برمی‌شمرند: (۱) موقعیت مناسب که تابعی از درون سازمان می‌باشد. (۲) درک و بهره‌برداری از نقاط ضعف سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی (۳) اعتماد به نفس از اینکه او به راحتی گرفتار (دست‌گیر) نمی‌شود. (۴) توانایی مقابله با استرس ایجاد شده در شخص زمانی که او مرتکب این اعمال (بد) می‌شوند.

مدل دیگری در این رابطه توسط کارانچر و همکاران^{۱۳} در ۲۰۱۰ که به MICE معروف است، مطرح گردید. در این مدل آن‌ها معتقدند که انگیزه‌عاملان (مرتکبین) تقلب که یکی از دو طرف در مثلث تقلب می‌باشند، ممکن است بیشتر به صورت مناسب گسترش و شناخته شود. واژه MICE مخفف چهار کلمه می‌باشد. (۱) پول (Money)، (۲) ایدئولوژی (Ideology)، (۳) اجبار (Coercion)، (۴) حس خود بزرگ بینی یا غرور (Ego). محرک‌های ایدئولوژیک انگیزه آن‌ها را توجیه می‌کنند. بدین معنا که آن‌ها می‌توانند وجه یا پول را سرقت، یا در تقلب مشارکت نمایند؛ برای رسیدن به برخی از اهداف آن‌ها که مطابق با اعتقاداتشان (ایدئولوژی) است. اجبار زمانی اتفاق می‌افتد که افراد ممکن است بی‌میل و علاقه باشد و به اجبار در طرح تقلب کشیده شده‌اند، اما این دسته از افراد نیز می‌توانند به خبرچین^{۱۴} تبدیل شوند. حس خود بزرگ بینی (غرور) همچنین می‌تواند یک انگیزه برای تقلب باشد تا جایی که گاهی اوقات مردم دوست ندارند اعتبار و یا موضع قدرت خود را در مقابل جامعه و یا خانواده‌شان از دست بدهند [۱۲].

در این رابطه هیات استانداردهای حسابرسی بین‌المللی (IAASB)^{۱۵} نیز استاندارد ۲۴۰ را در سال ۲۰۰۴ منتشر نمود [۲۴]؛ و تقلب را در آن چنین بیان داشت؛ «اظهارات نادرست در صورت‌های مالی از تقلب یا اشتباه بوجود می‌آیند. عامل تمایز بین تقلب و اشتباه در این است که آیا اقدام اساسی که منجر به اظهار نادرست صورت‌های مالی می‌شود، عمدی یا سهوی است». اصطلاح «اشتباه» اشاره به اظهار نادرست ناخواسته (سهوی) در صورت‌های مالی، از جمله حذف مقدار و یا افشای اطلاعات می‌باشد؛ در حالی که واژه «تقلب» اشاره به عملی عمدی یک یا چند نفر از جمله مدیریت، کارکنان و یا اشخاص ثالث، شامل استفاده از فریب برای به دست آوردن مزیت غیرعادلانه و یا غیرقانونی دارد. انجمن بازرسان خبره تقلب، تعریف تقلب را «معنایی گوناگون و مختلف از ابتکار انسانی که با تدبیر خود (نبوغ‌اش) از حقیقت جلوگیری کند، شامل همه ترفندها، فریبکاری‌ها، ... به هر نحوی ناعادلانه که بدنبال فریب شخص دیگری باشد» بیان دارد [۱۵].

تأثیر تقلب بر جامعه

تقلب آثار منفی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را داراست. فساد و تقلب از طریق خدشه وارد کردن به اخلاق و فرهنگ جامعه و سیاست‌های دولت در تامین منافع مردم و از میان رفتن منابع در جهت مبارزه با آن، مانع جدی برای ارتقای فرهنگ کار و رقابتی شدن فعالیت‌های سازنده و خنثی شدن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی است و جامعه با توجه به بدبینی‌های به‌وجود آمده در جای خود درجازه و یا در بعضی مواقع به افول کشیده می‌شود. در این بین حتی افزایش آگاهی و فرهنگ، نیز باعث نمی‌شود یک سازمان قربانی تقلب نشود؛ در حالی که سازمان غافل از این واقعیت است که تقلب همچنان می‌تواند رخ دهد. تقلب بر سازمان‌ها به طرق مختلف تأثیر منفی دارد، از جمله این اثرات منفی: مالی، اعتباری (لطمه به شهرت)، روانی و اجتماعی هستند. این اثرات در بعضی از مواقع سازمان‌ها را مجبور به توقف عملیات به‌دلیل خسارت مالی و شهرت کرده‌اند و اثرات منفی روانی و اجتماعی و همچنین اقتصادی را بخصوص به کارکنان وارد می‌کند. براساس نتایج تحقیق انجام شده به‌وسیله دلاپورتس^{۱۶} [۹] مجرمین برای فریب دیگران زمانی از موقعیت خود به‌عنوان حسابدار حرفه‌ای استفاده می‌کنند که آن‌ها با یک بحران ویژه‌ای روبرو می‌شوند که منجر به انجام رفتار جنایتکارانه توسط آنان می‌گردند. در این بین قربانیان نیز از تقلب رنج می‌برند، آسیب روحی و روانی از آثار فیزیکی و زیان‌بار تقلب می‌باشد. قربانیان نه تنها پول و زیان‌های مالی دیده‌اند، بلکه امنیت، اعتماد به نفس و عزت خود را نیز، مورد تهاجم می‌بینند. همانطور که ملاحظه می‌شود پدیده تقلب یک پدیده ضد ارزشی و اخلاقی می‌باشد؛ و گسترش آن باعث مخدوش شدن ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی چون «عدل و انصاف» و «صداقت و درستکاری» می‌گردد [۳]. حال راه حل چیست؟ چگونه می‌توان از ارتکاب تقلب جلوگیری کرد؟ آیا حسابرسان می‌توانند در پیشگیری تقلب کمک کنند و آیا همه مسئولیت‌های بردوش آن‌ها می‌باشد؟

راهکارهای جلوگیری و پیشگیری از تقلب

در بعضی از کشورها تجربه نشان داده است، در صورت عدم وجود نظام حقوقی تاثیرگذار و قوی حتی بهترین شیوه‌های جلوگیری و کشف تقلب، توانایی خود را برای پیشگیری از تقلب دست خواهند داد. پس از رسوایی‌های مالی پیش آمده توسط شرکت‌های همچون انرون، ورلدکام و ... کشورهای متعددی (مانند امریکا، آلمان) دست به قانون گذاری زدند و مجازات‌های سنگینی نیز برای این قبیل جرایم در نظر گرفتند. به عنوان نمونه بعد از تصویب قانون ساربنز آکسلی در جولای سال ۲۰۰۲ توسط کنگره آمریکا [۱۱]، این قانون گذاران جزائی برای خاطیان پیش‌بینی کردند. در بخش ۸۰۲ این قانون جزای نقدی تا ۲۰ سال حبس برای دستکاری، کتمان، جعل سوابق برای خاطی، مجازات در نظر گرفته شده است. همچنین در این بخش از قانون، شخص حسابداری که نقض آگاهانه‌ای از الزامات نگهداری همه گزارشات حسابرسی‌ها، برای یک دوره ۵ ساله را انجام داده باشد؛ جزای نقدی و یا حبس تا ۱۰ سال برای او پیش‌بینی شده است [۲۷].

آیا مجازات‌هایی همچون موارد فوق، قدرت بازدارندگی خوبی برای متقلبین می‌باشد؟. در این میان انجمن حسابداران خبره آمریکا (AICPA) نیز بیکار ننشست و برای اعاده آبروی از دست رفته حرفه تلاشی از خود نشان داد. آن‌ها در این باره بیانیه‌ای به نام "پیشگیری از تقلب"^{۱۷} صادر کردند. انجمن در این بیانیه اظهار نمود که "یک حسابدار مستقل به تنهایی نمی‌تواند از تقلب پیشگیری نماید". کمیته حسابرسی و هیات‌مدیره، مدیریت، حسابرسان داخلی، کارکنان از عواملی هستند که در جلوگیری از تقلب می‌توانند موثر باشند. به اعتقاد AICPA حسابدار مستقل، در برنامه‌ریزی بابت پیشگیری از تقلب می‌تواند کمک مناسبی باشد و نقش بسزائی در این کمک بازی کند. همیشه این مطلب بیان شده که پیشگیری از کشف تقلب آسان‌تر و ارزان‌تر خواهد بود. در ادامه عواملی که توان جلوگیری از تقلب را دارا می‌باشند مورد تشریح قرار می‌گیرند [۲۳].

۱- کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی نقش حیاتی در تضمین استقلال فرآیند حسابرسی دارد [۱۶]. کمیته حسابرسی از سه تا پنج نفر از مدیران غیرموظف (یعنی نه مدیر اجرایی شرکت و نه در استخدام شرکت) تشکیل می‌شود. البته در شرکت‌های کوچکتر ممکن است خود مدیریت کار کمیته‌ی حسابرسی را انجام دهد. از وظایف کمیته‌های حسابرسی نظارت بر مدیریت ریسک، کنترل‌های داخلی، رعایت ضوابط اخلاقیات، مدیریت، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی است [۵]. دیگر وظیفه‌ای که این کمیته دارد، انتخاب حسابرس مستقل می‌باشد. آن‌ها همچنین بر روند گزارشگری مالی نظارت دارند از جمله نظارت بر عملکرد حسابرسان داخلی، نظارت بر کنترل‌های داخلی و حصول اطمینان از تطابق کافی با کمیسیون اوراق بهادار^{۱۸} (SEC) و اصول پذیرفته شده حسابداری^{۱۹} (GAAP)، حق‌الزحمه و عزل حسابرسان مستقل، بررسی دفعات حسابرسی، دریافت گزارش حسابرسی، را می‌توان نامبرد [۲۵]. نقش و اهمیت کمیته حسابرسی با تصویب قانون SOX نیز افزایش یافته است.

در این راستا در کشور ما نیز در سال ۱۳۸۶ شرکت بورس اوراق بهادر تهران نیز منشور کمیته حسابرسی را منتشر کرد. در این منشور ترکیب اعضای کمیته حسابرسی شامل ۵ عضو است که حداقل دو عضو آن را اعضای غیرموظف هیات‌مدیره و بقیه از خارج شرکت و به انتخاب هیات‌مدیره می‌باشند. در منشور بیان شده که حداقل

دو نفر از اعضای کمیته حسابرسی می‌بایست حسابدار رسمی یا کارشناس و خبره امور مالی باشند. کمیته حسابرسی حداقل شش بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد و این جلسات با حضور حداقل سه نفر رسمیت می‌یابد [۴]. کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا تاکید مضاعف بر استقلال این کمیته دارد، به بیانی که نمودار (چارت) سازمانی کمیته حسابرسی و میزان استقلال اعضای این کمیته می‌بایست افشای شود [۲۶]. هدف غایی از تاسیس این کمیته در شرکت‌ها، حفظ منابع در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی است. کمیته حسابرسی می‌بایست اطمینان حاصل نمایند که مدیریت ارشد (به‌ویژه، مدیرعامل شرکت) عوامل بازدارنده مناسب برای پیشگیری از تقلب و محافظت بهتر از سرمایه‌گذاران، کارکنان و سایر ذینفعان اجرا و پیاده سازی می‌کند [۲۳]. کمیته حسابرسی می‌تواند بر فعالیت مدیران ارشد نظارت نموده و عامل بازدارنده‌ای مقابل تخلفات احتمالی این افراد باشد.

۲- مدیریت

عامل بازدارنده دیگر، مدیریت است. مدیریت مسئول ارزیابی خطر تقلب و اجرای مناسب برنامه‌های ضد تقلب و کنترلی است که با آن خطر ابتلا به تقلب واحد تجاری تا سطح قابل قبولی کاهش می‌یابد [۲۳]. مدیران نقش مهمی در پیش برد تفکر اخلاقی در شرکت را بازی می‌کنند. آن‌ها با سیاست‌های خود می‌توانند سرنوشت‌های برای کارکنان خود باشند. چراکه کارکنان انتظار دارند مدیران افرادی صالح باشند و فقدان آن می‌تواند تقلب را در واحد تجاری رواج دهد. تعیین اهداف مورد نظر مدیریت برای سازمان مهم می‌باشد زیرا از این طریق می‌تواند خطرات فرهنگی، ساختاری و تجارت را تقلیل دهد [۶]. البته که مدیر می‌بایست اشراف کامل بر روی سیستم حسابداری، کل پرسنل و ... داشته و نیز از نظر فنی شخصی ماهر و کارگشته باشد. مدیریت باید سازوکارهایی برای کارکنان بابت گزارش درباره رفتار غیراخلاقی، یا مشکوک به تقلب، ارائه کند. تا بوسیله آن اخلاق در واحد تجاری تحت مدیریت خود حفظ گردد.

۳- حسابرسی و حسابرسان داخلی

همانطور که بیان شد، پس از سقوط انرون و ... سازوکارهای حاکمیت شرکتی جزء اصلی سازمان شدند. یکی از این مکانیزم‌ها تقویت حسابرسی داخلی است که نقش مهمی در ساختار حاکمیت شرکتی درون سازمانی را دارد. درباره نقش حسابرسی داخلی تحقیقات متعددی انجام پذیرفت. نتایج این تحقیقات حاکی از این است که حسابرسی داخلی منجر به ارزش افزوده سازمان از طریق بهبود کنترل و نظارت بر محیط درون سازمانی برای شناسایی تقلب، می‌شود. تحقیقات دیگری در این حوزه نشان می‌دهد در سازمان‌هایی که حسابرسی داخلی را پیاده نموده‌اند، تعداد گزارش داوطلبانه^{۲۰} مرتبط با تقلب، با حسابرسی داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد [۱۷]. در این بین مؤسسه حسابرسان داخلی^{۲۱} (IIA) در سال ۲۰۰۴ حسابرسی داخلی را به‌عنوان یک تضمین عینی و مستقل و فعالیت‌های مشاوره‌ای و طراحی شده برای افزودن به ارزش و بهبود عملیات سازمان تعریف می‌کند. حسابرسی داخلی به سازمان کمک می‌کند تا اهداف خود را با روی آوردن به روش‌های منظم و سیستماتیک، ارزیابی و بهبود دهند؛ تا از این طریق فرآیندهای مدیریت ریسک، کنترل و نظارت را بطور اثربخش به انجام رسانند.

حسابرسان داخلی می‌توانند مؤثرترین بخش برای نظارت بر روی عملکرد شرکت باشند. حسابرسان داخلی همچنین می‌توانند در تشخیص و اندازه‌گیری عامل بازدارنده باشند. حسابرسان داخلی از کارکنان واحد تجاری هستند و وظیفه آنها بیشتر رسیدگی حسابرسی عملیاتی است. برای حفظ استقلال خود، آنها گزارش‌ها را مستقیماً در اختیار مدیرعامل یا هیات مدیره قرار می‌دهند.

۴- حسابرسان مستقل

حسابرسان مستقل یکی از کارآمدترین و مهم‌ترین عامل بازدارندگی در برابر تقلب می‌باشند. حسابرسان مستقل با ارزیابی واحد مورد رسیدگی در شناسایی، ارزیابی و پاسخ ناشی از خطرات تقلب، به مدیریت و هیات مدیره (یا کمیته حسابرسی) کمک بسزائی می‌کنند. حسابرسان مستقل می‌بایست گفتگوی باز و صادقانه با هیات مدیره (یا کمیته حسابرسی) در مورد فرآیند ارزیابی خطر در سیستم کنترل داخلی، داشته باشد. چنین گفتگوهای با هدف بحث درباره حساسیت واحد مورد رسیدگی در مورد گزارش‌های مالی متقلبانه و قرار گرفتن آنها در معرض اختلاس دارایی رخ خواهد داد [۲۳].

۵- کارکنان

هر شرکت می‌بایست دارای رویه‌های اخلاقی و سیاست‌های ضدتقلب باشد. این سیاست‌ها باید پس از استخدام به کارکنان ابلاغ گردند. واحد تجاری کارکنان را برای شناسایی انواع تقلب می‌بایست آموزش مستمر دهد. چراکه کارکنان زودتر از همه می‌توانند متوجه تخلف و تقلب شوند. مدیران باید کارکنان را به افشا و گزارش این رفتار (افشای)، تشویق نمایند. با توجه به اینکه AICPA اظهار نمود، حسابرس نمی‌تواند به تنهای عامل کشف تقلب باشد در ادامه به این مطلب می‌پردازیم که نقش او (حسابرس) و مدیریت در پیشگیری از تقلب چیست؟ [۲۳]

نقش حسابرسی صورت‌های مالی و

مسئولیت حسابرس و مدیریت در قبال کشف و پیشگیری تقلب

حسابرسی عبارت است از هرگونه رسیدگی به دفاتر و اسناد و مدارک و انجام سایر بررسی‌ها که توسط شخصی مستقل از تهیه‌کننده آن به منظور ارائه اظهار نظر نسبت به قابلیت اتکاء بودن صورت‌های مالی انجام می‌پذیرد [۲]. AAA چهار عامل مهم برای توجیه حسابرسی و یا به بیانی چهار عامل کاهش ریسک اطلاعات برشمرند که بدین شرح می‌باشند: (۱) تضادمنافع (۲) پیامدها (۳) پیچیدگی (۴) دورافتادگی. همچنین حسابرسی سه نقش مهم نظارت بر اقدامات مدیریت (فرضیه نظارت)، ایجاد محیط اطلاعاتی بهتر (فرضیه اطلاعات) و ایجاد امنیت برای شرکت‌ها در برابر خطرات (فرضیه بیمه) را ایفاء می‌کند [۲]. از آنجائی که تضادمنافع بین مدیران با مالکان، با فرضیه نمایندگی همسو است؛ لذا در فرضیه نمایندگی، مالکین برای تخفیف ریسک مخاطرات، قراردادهایی با نماینده تنظیم می‌کنند؛ با وجود اینکه قراردادهای بین مالک و نماینده منعقد هست اما این امکان هنوز وجود دارد، باز نماینده دست به اعمالی برای بیشتر شدن منافعش بزند. در این رابطه سازوکارهای متعددی بیان گردیده که یکی از آنها حسابرسی صورت‌های مالی می‌باشد [۱]؛ که بوسیله آن می‌توان بر اعمال نماینده

نظارت نمود. همانطور که پیشتر بیان شد، حسابرسان داخلی و مستقل با رسیدگی خود در طول دوره این توان را دارند که در صورت مشاهده هرگونه، مورد مشکوک به تقلب آن را به مراجع بالاتر گزارش نمایند. حسابرسان مستقل با حسابرسی صورت‌های مالی چه به صورت ضمنی (در طول دوره مالی و قبل از بستن حساب‌ها) و چه حسابرسی سالانه (نهایی) امکان انجام تقلب را در واحد مورد رسیدگی به حد زیادی کاهش و تقلیل می‌دهد.

لازم بذکر است، نقش حسابرسان از همان آغاز فعالیت به‌طور آشکار تعریف نشده بود. پورتر^{۲۲} ۱۹۹۷ به بررسی توسعه تاریخی وظیفه حسابرس برای شناسایی و گزارش تقلب در طی سال‌ها می‌پردازد. مطالعات او نشان می‌دهد که شیوه‌های حسابرسی و تحول در پارادایم حسابرسی در چند مرحله به‌وجود آمد. مطالعه پورتر اذعان می‌دارد که هدف اصلی از حسابرسی در مرحله قبل از سال ۱۹۲۰، کشف تقلب بوده است. با این حال، سال ۱۹۳۰، این هدف از کشف تقلب به تایید حساب تغییر کرد. افزایش در اندازه و حجم معاملات شرکت موجب گردید که حسابرس دیگر نتواند تمام معاملات را مورد بررسی قرار دهد [۱۹]. در سال ۱۹۶۰، رسانه‌ها و مردم از حسابرسان به خاطر نپذیرفتن و خودداری از قبول وظیفه کشف تقلب ناراضی بودند. با توجه به پیشرفت تکنولوژی، پیچیدگی و حجم بالای حوادث تقلب، در دهه ۱۹۸۰ مشکلات شدیدی برای کسب و کار مطرح شد [۱۴]. در طی این مدت، حرفه حسابرسی ادعا می‌کنند که مسئولیت کشف تقلب با مدیریت می‌باشد و نه حسابرس. نهایتاً در سال ۱۹۸۸، AICPA، بیانیه استانداردهای حسابرسی (SAS) شماره ۵۹، تحت عنوان "نظر حسابرس در توانایی واحد مورد رسیدگی برای ادامه فعالیت (تداوم فعالیت)"^{۲۳} صادر نمود. هدف اصلی از این بیانیه زدن پلی بر فاصله انتظار بین استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی که بر این باورند حسابرسان مسئول‌اند و باور حسابرسان از آنچه که مسئول آن هستند، بود [۲۰]. البته باید خاطر نشان نمود، مدیریت نیز، باید سیستم مناسب کنترل داخلی برای جلوگیری از تقلب در شرکت‌های اجرای نماید.

حسابرس به تنها نمی‌تواند مسئول کشف تقلب باشد و این وظیفه بین مدیریت و او مشترک می‌باشد. هرچند پورتر (۱۹۹۷) ادعا می‌کند که حتی اگر قانون تعیین کرده است که در برخی از شرایط، حسابرس موظف به تشخیص تقلب است. بوینتن^{۲۴} و همکاران (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که از زمان سقوط انرون، استانداردهای حسابرسی دوباره تأکید بر مسئولیت حسابرسان برای تشخیص تقلب دوباره راه‌اندازی شده است [۱۴ و ۱۹]. ادعای آنها مبتنی بر ISA ۳۱۵ شناخت واحد مورد رسیدگی و محیط آن و ارزیابی خطرات ناشی از اظهار نادرست و ISA ۲۴۰ (تجدیدنظر شده) مسئولیت حسابرس در حسابرسی بابت تقلب می‌باشد. مسئولیت پیشگیری، تشخیص، گزارش تقلب و دیگر اقدامات غیر قانونی و اشتباهات یکی از بحث برانگیزترین مسائل در حسابرسی است و یکی از مناطقی که غالباً بحث در میان حسابرسان، سیاستمداران، رسانه‌ها، قانون‌گذاران و اذهان عمومی را به خود اختصاص می‌دهد. مخصوصاً بعد از فروپاشی شرکت‌های بزرگی همچون انرون و ورلدکام، این موضوع با اهمیت‌تر و برجسته شده است.

همانطور که پیشتر بیان شد، در سال‌های پیشین یکی از وظایف عمده‌ای که بر دوش حسابرس بود و یا از او توقع و انتظار می‌رفت، کشف تقلب و فساد بود؛ اما بعدها با پیشرفت حسابرسی در دنیا، این تفکر گسترش یافت و حسابرسی از کشف تقلب منفک گردید. مسئولیت مدیریت، ایجاد جو سازمانی مناسب که در آن تقلب بدترین

جرم مطرح شود. ارتقاء سطح فرهنگی سازمان و تقویت کنترل‌های داخلی و ... تا پیشگیری صورت پذیرد. در حال حاضر مسئولیت تهیه، تایید و ثبت صورت‌های مالی را بردوش مدیریت نهاده شده است [۱۵]. آنچه که حائز اهمیت است و حسابرس می‌بایست در هر یک از کارهای حسابرسی به آن توجه کند، برنامه‌ریزی مناسب و جمع‌آوری شواهد و مستندات کافی، شناخت کافی از واحد تجاری و ... می‌باشد. با توجه به شناخت حاصله در طی فرآیند حسابرسی، حسابرس می‌بایست ریسک انجام حسابرسی را مورد ارزیابی قرار دهد تا بتواند به وسیله آن از واحد تجاری، محیط و کنترل‌های داخلی آن، درک مناسبی به دست آورد [۸]. حسابرس چون نمی‌تواند تمام اسناد را مورد رسیدگی قرار دهد این امر باعث می‌شود که وی نتواند به صورت قطعی تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی را کشف نماید. دلیل آن می‌توان محدودیت‌های موجود در ذات حسابرسی (مانند بالای بودن تعداد اسناد و نداشتن فزونی منافع بر مخارج در رسیدگی تمام مستندات و استفاده از رسیدگی نمونه‌ای، به کارگیری قضاوت، محدودیت‌های ذاتی سیستم کنترل داخلی و اینکه بیشتر شواهد ماهیت متقاعدکنندگی دارند نه قطعی) دانست؛ حتی اگر حسابرس طبق استانداردهای حسابرسی، رسیدگی را برنامه‌ریزی و اجرا کند. بخاطر محدودیت‌های ذاتی، حسابرس از کشف تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی، تنها اطمینانی معقول بدست می‌آورد. بعضی از مواقع تقلب با تبانی همراه می‌شود که این امر موجب می‌گردد کشف تقلب به مراتب برای حسابرس دشوارتر شود؛ تبانی می‌تواند باعث شود حسابرس به این نتیجه برسد که شواهد، متقاعدکننده است، درحالی که واقعاً چنین نیست. در چنین وضعی خطر عدم کشف، ناشی از تقلب مدیران بیش از تقلب کارکنان برای حسابرس است، چون مدیران با توجه به موقعیت خود ممکن است روش‌های کنترل داخلی را زیر پا گذارند و نیز همواره این فرض که مدیران درست کار هستند نیز وجود دارد؛ با این اوصاف نقش حسابرس در کشف تقلب می‌تواند با اهمیت باشد. البته حسابرس می‌تواند با تردید حرفه‌ای در مرحله برنامه‌ریزی، اسناد و مدارک مثبت بیشتری را با دقت رسیدگی کند تا از این طریق بتواند خطر حسابرسی موجود را کاهش و نیز در صورت وجود تقلب، آن را کشف کند. نهایتاً، با توجه به مطالب یاد شده، مسئول اصلی در کشف تقلب مدیریت بوده و نقش حسابرس و حسابرسی صورت‌های مالی می‌تواند به عنوان عامل کنترلی مناسب و موثر در جلوگیری از تقلب، پُررنگ باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب یاد شده درباره تقلب و رسوایی‌های مالی سال‌های اخیر اعاده حیثیت حرفه و اعتماد از بین رفته مردم به بنگاه‌های اقتصادی و حرفه (مخصوصاً حسابرسی) کمی سخت و دشوار می‌باشد. هرچند حرفه و قانونگذاران سعی کردند در سال‌های ابتدایی با این مسئله مقابله کنند و قوانین و مقررات وضع کنند که شاید این قبیل موارد تقلب و رسوایی به حداقل یا حداقل برسد، تصویب قانون ساربنز آکسلی یکی از این موارد بوده است. البته بررسی‌های انجام شده توسط حرفه حاکی از این مطلب است که تقلب امری است که همیشه هست می‌تواند وجود داشته باشد و احتمال بروز آن هنگامی کاهش می‌یابد که همه عوامل موجود در سازمان (مثل مدیریت، حسابرسان داخلی و خارجی، کمیته حسابرسی و کارکنان) در مبارزه با این مورد ضداارزشی و ضداخلاقی همسو

شوند. نباید این را نادیده گرفت که مدیریت و سپس حسابرسان مستقل در این مبارزه نقش مهم و اساسی را ایفاء می‌نمایند. مدیریت می‌تواند با تعیین رویه‌ها و سیاست‌ها و با در پیش گرفتن روش‌های اخلاقی و ارزشی، انتخاب افراد صادق و صالح در سمت‌های مهم و تشویق کارکنان در بیان تقلب و توییح خاطیان، نقش بسزائی داشته باشند. حسابرسان و حسابرسی هم عامل کنترلی بوده و به مدیریت در جهت برنامه‌ریزی برای پیشگیری از تقلب کمک بسزائی می‌نمایند. ولی آنچه که حائز اهمیت است در مبارزه با تقلب، مدیریت بهترین گزینه برای جلوگیری و پیشگیری از تقلب می‌باشد.

منابع و ماخذ

۱. امیراصلائی، حامی، (۱۳۸۹)، "نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت"، **سازمان**

حسابرسی، چاپ چهارم.

۲. خدامی‌پور، احمد، محمدرضاخانی، وحید، هوشمند زعفرانیه، رحمت‌الله، (۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر ویژگی‌های

کیفی حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری

ایران، شماره ۲۰، زمستان.

۳. کثیری، حسین، "مسئولیت حسابرس در برخورد با تقلب"، **دوماهنامه حسابرس**، شماره ۴۹، سال دوازدهم،

تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۲۴-۱۲۹.

۴. منشور کمیته حسابرسی و نظامنامه حسابرسی داخلی، بورس اوراق بهادار تهران، آبان ۱۳۸۶ و خرداد ۱۳۸۷

۵. مهدوی، غلامحسین، کریمی‌پور، عیسی، (۱۳۹۱)، "پانزده راهکار پیشنهادی برای افزایش اثربخشی کمیته‌های

حسابرسی"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۱، بهار.

6. Akinjobi, Ayoola, Omowumi, Olayemi, (2010), "The Changing Responsibilities of Auditors' in Detection and Prevention of business Frauds within a Challenging Environment in Nigeria", **Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences (JETEMS)**, PP. 71-75.

7. Chen, Gongmeng, Firth, Michael, GAO, Daniel N, Rui, Oliver M., (2006), "Ownership structure, corporate governance, and fraud: Evidence from China", **Journal of Corporate Finance**, Vol. 12, PP. 424- 448, available at: www.elsevier.com/locate/jfec.

8. Coram, Paul, Ferguson, Colin, Moroney, Robyn, (2006), "The Importance of Internal Audit in Fraud Detection", **Accounting Review**, http://aaahq.org/audit/midyear/07midyear/papers/Coram_TheImportanceOfInternalAudit.pdf.
9. Dellaportas, Steven, (2013), "Conversations with inmate accountants: Motivation, opportunity and the fraud triangle", **Accounting Forum**, Vol. 37, PP. 29– 39. www.elsevier.com/locate/jfec.
10. DeZoort, Todd, Harrison, Paul, (2007), "The Effects of Fraud Type and Accountability Pressure on Auditor Fraud Detection Responsibility and Brainstorming Performance", **Accounting Review**, http://aaahq.org/audit/midyear/08midyear/papers/49_DeZoort_EffectsOfFraudType.pdf
11. Eliezer M. Fichtel, Anil Shivdasani, (2007), "Financial fraud, director reputation, and shareholder wealth", **Journal of Financial Economics**, Vol. 86, PP. 306–336. www.elsevier.com/locate/jfec.
12. Kassem, Rasha, Higson, Andrew, (2012), "The New Fraud Triangle Model", **Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences (JETEMS)**, Vol. 3, No. 3, PP. 191-195.
13. Lee, Th, Gloeck, J. D., Ali, A. Md, (2008), "A Study of Auditors' Responsibility for Fraud Detection in Malaysia", **southern African Journal of Accountability and Auditing Research**, Vol. 8, PP. 27-34.
14. Oluwagbemiga, Ayobami, (2010), "The Role of Auditors' in Fraud Detection, Prevention and Reporting in Nigeria", <http://digitalcommons.unl.edu/libphilprac/517/>.
15. Reinstein, Alan, Bayou, Mohamed E., (1998), "A Comprehensive Structure to Help Analyze, Detect and Prevent Fraud", <http://ssrn.com/abstract=172055>.
16. Sarkar, Jayati, Sarkar, Subrata, (2010), "Auditor and Audit Committee Independence in India", <http://www.igidr.ac.in/pdf/publication/WP-2010-020.pdf>

17. Shamki, Dhia'a, (2009), "Internal Audit Responsibilities in Auditing Financial Systems Fraud", **Business e-Bulletin**, Vol. 1, Issue 1, PP. 25-32.
18. Soltani, bahram, (2007), "Auditing: An International Approach", **Pearson Education**.
19. Stirbu, Dan, et al, (2009), "Fraud and Error Auditors' Responsibility Levels", *Annals Universities Apulensis Series Economical*, PP. 54-64.
20. Tae G. Ryu, Barbara Uliss, Chul-Young Roh, (2011), "the Effect of the Sarbanes-Oxley Act on Auditors' Audit Performance", **Journal of Finance and Accountancy**, <http://www.aabri.com/manuscripts/08127.pdf>
21. Wolfe, D. T., Hermanson, D. R., (2004), "The fraud diamond: Considering the four elements of fraud", **The CPA Journal**, December, P. 4, <http://www.emeraldinsight.com/>
22. <http://legal-dictionary.thefreedictionary.com/fraud>.
23. <http://www.aicpa.org>, **Fraud Prevention & SAS No. 99**, <http://www.ifac.org>
24. – ISA 240
25. <http://www.investorwords.com/>
26. <http://www.sec.gov/>
27. <http://www.soxlaw.com/s802.htm>, **Sarbanes - Oxley Act of 2002**.
28. <http://www.vakil.net/>

یادداشت‌ها

- ¹ Association of Certified Fraud Examiners
- ² Sarbanes Oxley Act
- ³ Adeniji
- ⁴ Institute of Chartered Accountants of Nigeria
- ^o Aderibigbe and Dada
- ^٦ The Fraud Triangle

- ^۷Pressure
- ^۸Attitude
- ^۹Opportunity
- ^{۱۰}Wolfe and Hermanson
- ^{۱۱}Capability
- ^{۱۲}The Fraud Diamond
- ^{۱۳}Kranacher, et al.
- ^{۱۴}whistleblowers
- ^{۱۵}International Auditing and Assurance Standards Board
- ^{۱۶}Steven Dellaportas
- ^{۱۷}Fraud Prevention
- ^{۱۸}Securities and Exchange Commission. www.sec.gov/
- ^{۱۹}General Accepted Accounting Principles
- ^{۲۰}self-reported
- ^{۲۱}Institute of Internal Auditors
- ^{۲۲}porter

^{۲۳}این استاندارد در ایران مطابق با بخش ۵۷ استانداردهای حسابرسی منتشره سازمان حسابرسی می باشد.

^{۲۴}Boynton

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Diamond Fraud and Responsibilities of Managers and Auditors for the Prevention of Fraud

Abstract

Fraud and financial scandals in recent years that led to the collapse of major corporations, public trust and professional firms (especially accounting) declined. Therefore, professionals and regulators to tackle these failings with legislation and regulations, adamantly. After America Reviews by professional associations such as the Association of Certified Accountants (AICPA) and the Accounting Association of America (AAA) concluded, cheating is something that can always be present, and when it decreases the incidence of all levels of the organization, especially manage in order to combat this immorality must move.

Management objectives, policies and adopt appropriate procedures and appointment of qualified and competent persons and that this was the most effective and the most important element in detecting, preventing and detecting fraud. Auditors are also control the management and can assist in planning to have an important role in preventing fraud. However, management is seen as a key factor in preventing fraud.

Keywords:

Diamond Fraud, Fraud Triangle, Auditors, Management, Preventive Laws.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی